

معلم عزیزم،
بامن حرف بزن!

گفت و
گو

نقش راهنمایی و مشاوره در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پای صحبت استاد احمد صافی، معلم پیشکسوت و صاحب نظر مشاوره و راهنمایی تحصیلی

استاد احمد صافی در یک نگاه

استاد احمد صافی متولد سال ۱۳۱۶ و اهل گلپایگان است. پس از پشت‌سر نهادن کلاس نهم (سوم دبیرستان) به دانش‌سرای مقدماتی رفته و پس از طی آن دوره، در سال ۱۳۳۵ به استخدام آموزش و پرورش درآمده است.

وی مدتی در روستاهای الیگودرز، لرستان و ازنا به تدریس پرداخته و سپس به مدت پنج سال در بروجرد معلم کلاس اول دبستان بوده است. سپس به تدریج به تحصیل ادامه داده و در رشته آموزش ابتدایی از دانش‌سرای عالی فارغ‌التحصیل شده است. در ادامه نیز موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته راهنمایی و مشاوره، از دانشگاه تربیت معلم شده است. استاد احمد صافی در ادامه خدمت در آموزش و پرورش در سمت‌های گوناگونی در مراکز تربیت معلم تا دبیرکلی شورای عالی آموزش و پرورش انجام وظیفه کرده است. ایشان اکنون رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور بازنشستگان و همچنین مشاور دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش است.

استاد، از ضرورت راهنمایی و مشاوره در مدارس برایمان بگوئید.

همه صاحب‌نظران و متخصصان جهان در خصوص آسیب‌های اجتماعی شعار واحدی دارند که می‌گوید: «پیشگیری ارزان و مؤثر در زمان هزینه‌بر و کم‌اثر است!» پس ما باید در همه مراحل رشد مراقب فرزندانمان باشیم. انسان ممکن است در طی مراحل رشد، افت جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و فردی پیدا کند. همین آسیب‌ها می‌تواند دامنگیر فرزندان ما هم بشود و خود منجر به پدید آمدن آسیب‌های اجتماعی شود. به همین دلیل، خانه و مدرسه باید سخت مراقب باشند تا ضمن راهنمایی فرزندان و دانش‌آموزان، مانع از ایجاد فضایی شوند که می‌تواند بچه‌های ما را تهدید کند و به آنان آسیب برساند.

اصلاً هم نباید توقع داشته باشیم که دانش‌آموزان بدون نظارت، مشاوره و راهنمایی معلمان یا کامل‌تر از آن کارکنان مدارس، راه درست را طی کنند. این اصلاً طبع و نیاز بشر است که بدون راهنمایی و مشورت گرفتن از دیگران، راه به سلامت نخواهد برد. اساساً فلسفه وجود پیامبران الهی و همه راهنمایان بشر در این است که نوع بشر به راهنمایی و مشاوره نیاز دارد.

لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید.

اصلاً اجازه دهید مثال کوچکی برای

شما بزنم تا موضوع روشن‌تر شود. من در ابتدای

صحبت‌م به افت تحصیلی اشاره کردم. اگر معلم، مدیر و همکار ما در مدرسه به همین موضوع توجه نکنند و دانش‌آموزی به دلیل افت تحصیلی، از تحصیل باز بماند به نظر شما چه آینده‌ای در انتظار اوست. حالا اگر در این میان خانواده هم به این موضوع بی‌توجه باشد، سرنوشت چنین دانش‌آموزی چه خواهد شد؟ پس باید توجه داشته باشیم که گاه بی‌توجهی حتی به مسئله‌ای کوچک، می‌تواند بعدها تبعات منفی اجتماعی و فردی گسترده‌ای داشته باشد که شاید جبران آن غیرممکن باشد.

گمان می‌کنید آسیب‌های وارده به دانش‌آموزان

تا چه حد قابل پیشگیری است؟

تا حد خیلی زیادی قابل پیشگیری است. من در کنار کارهای دیگرم، در مرکز راهنمایی و مشاوره وابسته به نظام روان‌شناسی و مشاوره ایران مشغول به خدمت هستم. برخی مراجعان ما همین دانش‌آموزانی هستند که به علت بی‌توجهی یا

کم‌توجهی

به دامان آسیب‌های

اجتماعی و از جمله اعتیاد، فرار

از منزل، سرقت و... افتاده‌اند.

واقعاً گاهی اوقات دیده می‌شود که

کم‌توجهی ما به امر پیشگیری، باعث خسارت‌هایی

شده است که هزینه درمان آن از لحاظ مادی، صرف وقت،

اعاده آبرو و شخصیت، و دیگر فاکتورهایی که ممکن است

دیگر قابل جبران هم نباشد، چندین برابر است و ما زمانی

متوجه می‌شویم که کار از کار گذشته است و شاید برگرداندن

آب رفته به جوی اساساً ممکن نباشد.

متأسفانه تعداد زیادی از افراد معتاد کسانی هستند که

ترک تحصیل کرده‌اند و با جدا افتادن از محیط اجتماعی

مدرسه و افتادن به دام افراد ناباب و دوستانی که در مسیر

انحرافی قرار داشته‌اند، به دامان بی‌باک‌گشت اعتیاد

افتاده‌اند. بی‌باک‌گشت به این معنا که چون

در چنین محیط‌هایی دیگر معلم، مدیر،

مشاور و مربی دلسوزی وجود ندارد،

جوان دورافتاده از مدرسه، کتاب و

درس، بدون راهنما و مشاور دلسوز،

کسی را ندارد که به او کمک و او

را راهنمایی کند تا از غرق شدن در

این منجلاب نجات پیدا کند و اگر

هم دستی پیدا شود، برای کشیدن او

به عمق منجلاب خواهد بود و او راهی به

سوی ساحل نجات نخواهد داشت.

نقش کارکنان مدارس در جلوگیری از

این آسیب‌ها چیست؟

اعتقاد من این است که این عزیزان نقش اول را دارند.

اگر ما به وظایف خود خوب عمل کنیم و مجموعه کارکنان

مدرسه دست به دست هم بدهند تا بچه‌ها بتوانند از راهنمایی

و مشاوره لازم برخوردار شوند، حتماً عمل نجات بخش

پیشگیری اتفاق می‌افتد و فرزندان ما در بی‌کسی و تنهایی

به دامان افراد سودجو و منفعت‌طلب که در کمین آن‌ها

نشسته‌اند، پناه نخواهند برد.

از طرف دیگر، مشاوران آگاه و راهنمایان صاحب‌نظر

به دانش‌آموزان کمک خواهند کرد تا بتوانند به نیازهای

سنی خود پاسخ‌های درستی بدهند و با کسب راهنمایی

دوران پرهیجان و شورانگیز نوجوانی و جوانی را به

سلامت و با امنیت خاطر بیشتری طی کنند

و آینده بهتر و امیدبخش‌تری را برای

خود رقم بزنند.

واقعاً گاهی اوقات دیده می‌شود که کم‌توجهی ما به امر پیشگیری باعث خسارت‌هایی شده است که هزینه درمان آن از لحاظ مادی، صرف وقت، اعاده آبرو و شخصیت و دیگر فاکتورهایی که ممکن است دیگر قابل جبران هم نباشد، چندین برابر است

**باید بسیاری از صفات
پسندیده اخلاقی مانند وفای
به عهد، خوش قولی، احترام به
دیگران و حفظ حقوق همدیگر را
در عمل و به گونه‌ای که بچه‌ها قادر
به دیدن آن عمل و حتی نتیجه
آن باشند، به آن‌ها
آموزش دهیم**



خوشبختانه با پیشرفت علم و گسترش آن در حوزه‌های انسانی، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی تربیتی، مشاوره و نیازسنجی خدمات گسترده حوزه راهنمایی و مشاوره می‌تواند در همه زمینه‌ها به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کمک کند و عاملی باشد تا کارکنان مدارس هم با آگاهی از آن، از این خدمات تخصصی بهره ببرند و از این طریق به کمک دانش‌آموزان و فرزندان خود بشتابند.

پرخاشگری، ستیزه‌جویی، سرقت، اعتیاد و گرایش به استفاده از فناوری‌های جدید دنیای مجازی، بدون برنامه و رعایت موازین اخلاقی و اجتماعی، رابطه غیرمشروع بین دو جنس مخالف، تخریب اموال عمومی و فرهنگی و دیگر آسیب‌ها، همه و همه به آگاهی، شیوه‌های برخورد و آموزش نحوه مقابله نیاز دارند که در همه این موارد، هم خانواده‌ها، هم معلمان و هم دانش‌آموزان به مشاوره و راهنمایی نیاز دارند.

آگاهی اوقات مشاهده می‌شود که مشاوران ما به دلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان، قادر به پاسخگویی به نیازهای مشاوره‌ای همه آن‌ها نیستند. در چنین وضعیتی تکلیف چیست؟

بله، چنین مشکلی هم ممکن است وجود داشته باشد و شاید ما نتوانیم به تعداد همه مدارس، کلاس‌های درس و دانش‌آموزان، نیروهای متخصص مشاوره و راهنما داشته باشیم، کما اینکه هم‌اکنون این مشکل در مدارس ابتدایی وجود دارد و مشارکت عموم کارکنان مدرسه لازم است. در چنین حالتی، باید تلاش کنیم با ارائه آموزش‌های لازم و برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی که بتواند اطلاعات اولیه و ضروری را به همه معلمان و کارکنان مدارس منتقل کند، سطح آگاهی و دانش آنان را افزایش دهیم. گاهی اوقات نیز می‌توانیم ضمن استفاده از وجود معلمان که تجربه و آگاهی بیشتری دارند یا حتی اولیای دانش‌آموزانی که در این زمینه تبحر و تخصص دارند، زمینه

دانش‌افزایی همکاران را فراهم کنیم تا بتوانند با تشخیص به موقع مشکلات در زمان مناسب، به کمک دانش‌آموزان بشتابند و ضمن پیشگیری از وقوع مشکلات، خسارت‌های ابتلا به این آسیب‌ها را تا حد ممکن کاهش دهند.

آشما علاوه بر تدریس در مدارس، مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها، تجربه دیدار از مدارس خارج از کشور و نوشتن کتاب‌هایی در این زمینه را هم دارید. کمی هم از تجربه‌های مرتبط در این حوزه برای خوانندگان مجله صحبت کنید.

ما در حیطه راهنمایی و مشاوره، سه حیطه مهم راهنمایی و مشاوره تحصیلی، مشاوره حرفه‌ای و شغلی، و مشاوره سازشی را داریم که توجه به آن‌ها می‌تواند بسیار کارگشا باشد. اجازه دهید در همین زمینه برایتان از تجربه‌ای در ژاپن یاد کنم. روزی شاهد بودم یکی از معلمان مدرسه‌ای ابتدایی در ژاپن، بچه‌های ۵ ساله را برای بازدید از یک بانک در همان نزدیکی مدرسه می‌برد. مدیر مدرسه به من توضیح داد: ما از همین دوره کودکی و پیش‌دبستان بچه‌ها را با مفاهیم اقتصادی و هزینه و پس‌انداز، در حدی که متوجه آن بشوند، آشنا می‌کنیم. من هم با این بچه‌ها و معلم آن‌ها همراه شدم. وقتی وارد بانک شدیم، رئیس بانک کارش را رها کرد و بین بچه‌ها آمد و ضمن خوش‌وبش با آن‌ها با زبانی ساده که متوجه بشوند، در خصوص پس‌انداز و پول و اهمیت آن در زندگی برای بچه‌ها سخن گفت. سپس در مورد خودش و همکاری‌اش و کارهایی که انجام می‌دهند برای بچه‌ها صحبت کرد. جالب اینکه این‌گونه بازدیدها فراوان وجود دارد و معلمان ضمن بردن بچه‌ها به جاهای گوناگون، آنان را با شغل‌ها، اهمیت آن‌ها و شرایط رسیدن به هر شغل و مزایای آن آشنا می‌کنند. در تجربه‌ای دیگر در هند و در یک موزه شاهد بودم که از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر فوج فوج بچه‌های مدارس برای بازدید می‌آمدند و به شیوه‌ای علمی و کلاسی و در عین حال که برایشان مفرح و شاد بود، از موزه بازدید می‌کردند.

این مثال‌ها را برای آن بیان کردم که به اهمیت امر مشاهده تأکید کرده باشم. بچه‌ها و دانش‌آموزان از آنچه می‌بینند، نسبت به آنچه می‌شنوند، بیشتر یاد می‌گیرند و اتفاقاً ما باید بسیاری از صفات پسندیده اخلاقی مانند وفای به عهد، خوش قولی، احترام به دیگران و حفظ حقوق همدیگر را در عمل و به گونه‌ای که بچه‌ها قادر به دیدن آن عمل و حتی نتیجه آن باشند، به آن‌ها آموزش دهیم. در چنین وضعیتی است که با تضمین سلامت جسم و روان آنان از بروز آسیب‌های اجتماعی هم جلوگیری خواهد شد.

آنچه بدان اشاره کردم، بخشی از خدمات راهنمایی و مشاوره است، زیرا کمک می‌کند دانش‌آموز خودش با شناخت

و آگاهی دست به انتخاب بزند و ضمن احساس شخصیت و هویت، با محیط خود ارتباط بهتری برقرار کند.

تجربه دیگرم به بازدید از مدارس کشور فرانسه مربوط است. در مدارس این کشور واحدی با عنوان «عرضه تحصیلات شغلی و اجتماعی» به دانش آموزان دارند که همه دانش آموزان از این طریق و بازدید از مراکز فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و هنری، با جامعه خود آشنا می شوند و اتفاقاً برخی مراکز مانند پلیس یا سازمان های اجتماعی مرتبط با جرائم اجتماعی مانند اعتیاد و کارهای مربوط به آن، دانش آموزان را با وجوه مختلف این جرائم، نحوه برخورد با آن ها، مجازات های آن ها و نحوه گزارش دادن درباره آن ها به پلیس یا خانواده آموزش می دهند و بسیاری از مسائلی را که ممکن است به نحوی اشتباه از دیگران بشنوند، به طرز صحیح و مؤثر یاد می گیرند.

موضوع جالب اینکه در چنین واحدهایی، همه مراکز مرتبط با همدیگر همکاری نزدیک و مؤثر دارند. یعنی مثلاً اگر مرکز امدادهای اجتماعی در زمینه خاصی به دانش آموزان اطلاعاتی ارائه می کند، مجلاتی را هم که در این خصوص در جاهای دیگر منتشر می شود، در اختیار دارد و معرفی می کند. در همین زمینه، به نظرم می رسد مجموعه مجلات پیشگیری نوین (کارکنان، خانواده ها و دانش آموزان) که در معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و به سفارش ستاد مبارزه با مواد مخدر منتشر می شود، زمینه بسیار خوبی است که می تواند به عنوان یکی از ابزارهای مناسب، در اختیار همه مراکز مرتبط قرار گیرد و زمینه ای فراهم شود تا همه کسانی که این مجلات به کارشان می آید، بدان دسترسی داشته باشند.

یک موضوع خیلی مهم دیگر که می خواهم درباره آن صحبت کنم و به حوزه راهنمایی و مشاوره برمی گردد، این است که این روزها بچه ها و دانش آموزان ما به سنگ صبور و کسانی نیاز دارند که با آن ها حرف بزنند. شاید به دلیل شلوغی کلاس های درس، زیاد بودن مطالب درسی و دیگر مشغولیت های دانش آموزان و معلمان، این روزها کمتر کسی به این نیاز اصیل بچه ها توجه کند، اما این شیوه یکی از بهترین شیوه ها برای رشد عواطف و احساسات پاک دانش آموزان است که می تواند ضمن کمک به آنان در بروز احساسات و بیان حرف های خود، از بسیاری آسیب های اجتماعی ناشی از تنهایی و نداشتن هم دل و هم زبان جلوگیری کند.

تجربه دیگرم هم به مدرسه های در چین و در مرز لائوس و کامبوج مربوط است. در این مدرسه ابتدایی، دانش آموزان در آغاز کار مدرسه حدود یک ربع ساعت، آرام و بی صدا تمرکز می گرفتند و سپس با آرامش و شادابی به کلاس درس می رفتند. در آن یک ربع، در مدرسه ای با حدود ۷۰۰ نفر دانش آموز، شما هیچ صدایی نمی شنیدید. در همان مدرسه با مشاور بچه ها صحبت کردم و

از کارهایش در مدرسه پرسیدم که گفت: یکی از کارهای من این است که بعد از برگزاری هر امتحان، برگه های امتحانی همه بچه ها را می بینم و ضمن تشویق دانش آموزان موفق به صورت جمعی، با دانش آموزانی که نمرات ضعیف تری گرفته اند، درباره مشکل یا مشکلات احتمالی صحبت می کنیم و اگر لازم باشد، ضمن دعوت از خانواده آموزش های لازم را به آنان دهیم. در هر صورت تلاش می کنیم مشکل را تا نوبت بعدی امتحانات برطرف کنیم. نتیجه چنین کاری این است که ما مسئله ای به نام مروددی و افت تحصیلی نداریم.

ضمن تشکر از بیان این تجربیات درس آموز، در پایان چه توصیه و سفارشی برای کارکنان مدارس که مخاطب این سخنان هستند دارید؟

جمع بندی صحبت من این است که موضوع راهنمایی دانش آموزان و دادن مشورت به آنان برای انتخاب راه رسیدن به هدف، یکی از بهترین شیوه های مقابله با آسیب های اجتماعی است، کما اینکه این موضوع در مورد همه مسائل دیگر اجتماعی هم مصداق دارد و اساساً راهنمایی و مشاوره در همه سطوح زندگی برای آن است که افراد از انتخاب ها و روش های خود در زندگی آسیب نبینند و بتوانند با استفاده از تجربه ها و دانش صاحب نظران، با کمترین هزینه، بیشترین کارایی را به دست آورند و زندگی شخصی، حرفه ای، تحصیلی و اجتماعی موفق داشته باشند.

و نکته آخر هم اینکه بر اساس تجربه های کلینیکی و مشاهدات تجربی ام، فرزندان ما این روزها با آسیب های نوپدید دست به گریبان شده اند؛ اینترنت، تلفن همراه، تبلت و اسباب بازی هایی که ظاهراً تنهایی آن ها را پر می کند، ولی عملاً به گوشه گیری و تنهایی بیشتر آنان می انجامد.

خیلی باید مراقب باشیم، کتاب خوانی و مطالعه، دوره هم نشینی های خانوادگی، قدم زدن و رفتن به پارک با فرزندان و صحبت کردن با آنان، جانشین برخی از این فعالیت های شخص محور نشود. توجه داشته باشیم که خطرات این دنیا برای فرزندان ما که آگاهی و اطلاعات زیادی ندارند، می تواند بسیار باشد. اگر از آنان غفلت کنیم، شاید برای جبران این آسیب ها زمان و فرصت زیادی نداشته باشیم. در این زمینه هم راهنمایان تحصیلی، مشاوران مدارس، معلمان و دیگر کارکنان مدارس می توانند نقشی مهم و اثرگذار داشته باشند.

تجربه دیگرم به

مدرسه های در چین و در مرز لائوس و کامبوج مربوط است. در این مدرسه ابتدایی، دانش آموزان در آغاز کار مدرسه حدود یک ربع ساعت، آرام و بی صدا تمرکز می گرفتند و سپس با آرامش و شادابی به کلاس درس می رفتند